

قطعه نامه درباره:

وضع ایران و مصاف های حزب حکمتیست

پیشنهاد کننده: کورش مدرسی

حمایت کنندگان: اسد گلچینی، جمال کمانگر، خالد حاج محمدی، امان کفا، مظفر محمدی، فاتح شیخ، بهرام مدرسی، رحمان حسین زاده
صفحه ۲

قطعه نامه در باره

وضع سیاسی ایران (جنبش سرنگونی)

پیشنهاد کننده: کورش مدرسی،

حمایت کنندگان: اسد نودینیان، فاتح شیخ، بهرام مدرسی، امان کفا، ثریا شهابی، خالد حاج محمدی، امان کفا، عبدالله دارابی
صفحه ۳

قطعه نامه در مورد

خطر پاشیدن شیرازه جامعه ایران و شیوه ممانعت از آن

پیشنهاد کننده کورش مدرسی

حمایت کنندگان: مظفر محمدی، بهرام مدرسی، امان کفا، ایرج فرزاد، ثریا شهابی، جمال کمانگر، عبدالله دارابی
صفحه ۵

قطعه نامه در باره

نیروی مسلح حزب (گارد آزادی)

پیشنهاد دهنده: محمود قزوینی

امضاء کننده: امید خدابخشی، نسیم رهنما، ناهید ریاضی، برهان دیوارگر، اسد گلچینی، ناهید ریاضی، یکی از رفقای داخل کشور
صفحه ۶

کمونیست ها و حقوق کودکان

بیانیه کنگره اول حزب حکمتیست

پیشنهاد دهنده: ثریا شهابی. برهان دیوارگر، ناهید ریاضی، امان کفا
امضا کنندگان: بهرام مدرسی، محمد فتاحی، عبه شریفی، آذر مدرسی، محمود قزوینی، عبدالله دارابی
صفحه ۷

قطعه نامه در باره

تبدیل کردستان به دروازه قدرت

پیشنهاد دهنده: مظفر محمدی

حمایت کننده: کورش مدرسی، اسد نودینیان، خالد حاج محمدی، ثریا شهابی، جمال کمانگر، بهرام مدرسی
صفحه ۱۰

بیانیه در باره کنگره اول حزب کمونیست کارگری —

حکمتیست

ساسان سعید، رئوف افسائی، رضا کمانگر، صلاح ایران دوست
صفحه ۱۰

ضمیمه کمونیست

ویژه تدارک کنگره اول حزب

کنگره ۶

۲۴ مهر ماه ۱۳۸۵ - ۱۶ اکتبر ۲۰۰۶

سردبیر: کورش مدرسی kongere.hekmatist@gmail.com

قرار در مورد

گسترش سریع واحدهای گارد آزادی در شهرهای ایران

پیشنهاد دهنده گان: رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی
صفحه ۱۱

قرار در باره

تشکل یابی رهبران و فعالین کارگری (کمیته های کارگری)

پیشنهاد دهندگان: محمود قزوینی، محمد فتاحی
صفحه ۱۱

قرار در باره

همکاری همه جانبه با حزب کمونیست کارگری عراق و کنگره آزادی عراق و تعریف مکانیسمهای لازم

پیشنهاد دهنده: اسماعیل ویسی
صفحه ۱۲

قرار در باره

شورای عالی امنای حزب

پیشنهاد کننده: نسرين جلالی، کورش مدرسی
صفحه ۱۲

لیست اسناد کنگره

صفحه ۱۴

آئین نامه پیشنهادی به کنگره

صفحه ۱۳

قطعه نامه درباره:

اوضاع ایران و مصاف های حزب حکمتیست

پیشنهاد کننده: کورش مدرسی
حمایت کنندگان: اسد گلچینی، جمال کمانگر، خالد حاج محمدی، امان کفا، مظفر محمدی، فاتح شیخ، بهرام مدرسی، رحمان حسین زاده

۱ - ناتوانی ذاتی جمهوری اسلامی در پاسخ گوئی به نیازهای اقتصادی و سیاسی جامعه ایران و بحران پا برجای سیاسی در این نظام بر متن نفرت عمومی مردم از جمهوری اسلامی هنوز اوضاع جامعه ایران را متحول و بحرانی نگاه داشته است.

۲ - ناتوانی ماهوی اپوزیسیون راست در سازمان دهی و رهبری هر مبارزه میلیتانت و عمیقی علیه جمهوری اسلامی، ترس ذاتی این اپوزیسیون از دخالت مردم و بویژه طبقه کارگر در قدرت سیاسی، و بحران عمیق ایدئولوژیک - سیاسی اپوزیسیون راست ناشی از سیاست های دولت الگو و سرمشق خود، یعنی آمریکا، برای حزب ما یک فرصت مجدد در باز سازی، عروج و رهبری جنبش سرنگونی از یک زاویه کمونیستی - کارگری را فراهم آورده است.

۳ - جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی بر متن امکان حمله آمریکا به ایران شکل میگیرد. حمله ای که میتواند شیرازه جامعه را از هم بپاشد و بزرگترین تراژدی انسانی تاریخ معاصر ایران و منطقه را شکل دهد. این واقعیت به جنبش سرنگونی ابعادی بشدت پیچیده میدهد. مردم ایران و طبقه کارگر در این طوفان عظیم به قطب نمائی مطمئن و هدایت کننده ای مصمم، روشن و قدرتمند نیاز دارند.

۴ - کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بر این امر واقف است که برای یک حزب سیاسی یافتن فرصت مجدد در رهبری یک جنبش در تاریخ کم سابقه است و در همان حال کنگره بر موانع بسیار عظیمی که در مقابل تحقق این امکان و پیروزی این حزب وجود دارد واقف است. اما این فرصتی است که دیگران ندارند و یک فرصت تاریخی در مقابل طبقه کارگر و این حزب قرار داده است.

۵ - کنگره بر این اصل اصرار دارد که پایه ای ترین و اساسی ترین شرط پیروزی در این اوضاع وجود یک حزب کمونیستی، مدرن، اجتماعی، توده ای و قدرتمند است که بتواند رهبری، سازمان و اعتماد به نفس را در صفوف مردم و بویژه طبقه کارگر شکل دهد و این جنبش را به پیروزی برساند.

۶ - کنگره اول توجه کل حزب و رهبری آتی آن را به عملی کردن و گسترش ایده های مطرح شده توسط منصور حکمت در مباحث حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی جلب میکند.

۷ - کنگره کل حزب را فرا میخواند تا بخصوص اهداف زیر را با سرعت هر چه بیشتر عملی سازند:

۱. حزب باید تبدیل به رهبر مبارزه مردم و طبقه کارگر گردد. بدین معنی حزب باید محمل اتحاد، لولای سازمان یابی و قدرت گیری مردم، طبقه کارگر و رهبران آنها باشد. حضور حزب در هر جا باید به معنی سازمان یافته تر شدن جامعه در مقابله با جمهوری اسلامی و افزایش نفوذ ارزش ها و ایده های انسانی حزب باشد.

۲. نقطه شروع و نقطه خاتمه هر سیاست و هر روش و هر سنتی برای حزب باید جامعه باشد. رهبری حزب اکیدا باید از نظر فکری، سنتی و عملی حزب را از چپ غیر اجتماعی جدا کند. تبلیغات، فرهنگ سازمانی و سنن تشکیلاتی حزب باید از این زاویه مورد ارزیابی سریع و تغییر رادیکال قرار گیرند.

۳. کنگره بر این امر اصرار دارد که شاخص موفقیت در این زمینه نه ارزیابی های سوژکتیو بلکه درجه نفوذ حزب در جامعه، قابلیت آن در ایجاد سدی در مقابل جمهوری اسلامی و نیروها و سنن ارتجاعی، و تعداد انسانهای آزادیخواه و بخصوص آژیتاتورها و رهبران سوسیالیست و کمونیست طبقه کارگر است که به حزب میبویونند.

۴. کنگره بر اهمیت حیاتی تبدیل طبقه کارگر و بویژه صنایع کلیدی به پایگاه اصلی سیاسی، سازمانی و نفوذ معنوی حزب تاکید دارد. این حزب قبل از هر چیز و مهمتر از هر چیز باید حزب رهبران و آژیتاتور های کمونیست طبقه کارگر بشود.

۵. حضور و فعالیت حزب در هر جا و هر محل باید با افزایش اتحاد در میان مردم و طبقه کارگر، افزایش قابلیت طبقه و مردم در پس زدن فشار های جمهوری اسلامی و فعالیت جریانات قوم پرست سناریو سیاهی، و بالاخره آمادگی مردم و طبقه کارگر در کوتاه کردن دست عوامل سناریو سیاه از زندگی خود و دفاع از جامعه در مقابل اضمحلالی که آمریکا، اسلام سیاسی و قوم پرستان و ماجراجویان سیاسی در تدارک آن هستند باشد.

۶. کنگره تاکید میکند که رابطه حزب و قدرت سیاسی باید قبل از هر چیز با مساوی شدن حضور حزب در هر جا با تغییر تناسب قوای میان مردم و طبقه کارگر با جمهوری اسلامی، با سرمایه داران و با نیروهای ارتجاعی معنی شود.

۷. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، باید از قابلیت و قدرت حزب در کردستان به عنوان دروازه قدرت و اهرم سیاسی، تشکیلاتی و اجتماعی برای قدرت گیری حزب در سایر نقاط ایران استفاده نماید.

۸. حزب کمونیست کارگری حکمتیست باید به سرعت استانداردهای سازمانی، فرهنگی، سیاسی و حزبی را در جهت ایجاد یک سازمان مدرن کمونیستی تغییر دهد. رهبری حزب باید تحقق یک وظیفه تاریخی یعنی ایجاد یک حزب کمونیستی اجتماعی، توده ای را تضمین کند. حزب حکمتیست میتواند برای اولین بار در تاریخ معاصر جهان یک حزب کمونیستی توده ای مدرن را در مقابل طبقه کارگر جهانی قرار دهد.

۹. کنگره اول مصر است که معیارهای درون حزب باید تماما سیاسی باشند، کنگره بر باز بودن فضای سیاسی و فرهنگی حزب تاکید دارد و در همان حال خواستار عدم سازش با هر سنت و روشی است که حزبیست و دیسپلین حزبی را زیر پا می نهد است.

قطعه‌نامه در باره

اوضاع سیاسی ایران (جنبش سرنگونی)

پیشنهاد کننده: کورش مدرسی،

حمایت کنندگان: اسد نودینیان، فاتح شیخ، بهرام مدرسی، امان کفا، ثریا شهبابی، خالد حاج محمدی، امان کفا، عبدالله دارابی

الف - ویژگی اوضاع سیاسی کنونی ایران ترکیب متناقض گسترده تر شدن نفرت از جمهوری اسلامی، تبدیل سرنگونی به بستر اصلی اعتراض مردم و گستردگی اعتراضات پراکنده و غیر متحد مردم از یک طرف و سردرگمی و حاکم شدن جو انتظار در میان مردم از طرف دیگر است. این وضعیت حاصل عوامل متعددی است:

۱- شکست دوم خرداد، شکست افق اپوزیسیون درون رژیم و اپوزیسیون طرفدار رژیم بود. با شکست دو خرداد در ابعاد اجتماعی محقق شده که تنها راه معتبر برای خلاصی از وضع موجود سرنگونی جمهوری اسلامی است. خوش خیم کردن جمهوری اسلامی یک خیال باطل است و دو خرداد همان طور که ما گفته بودیم چیزی جز پلاتفرم سیاسی برای حفظ جمهوری اسلامی نبوده و نیست.

۲- با این شکست دو خرداد بعنوان یک بازیگر قابل اعتنای سیاسی از صحنه جامعه حذف گردید و همراه آن بخش اعظم جریانات دو خردادی و اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی تجزیه شدند. بخش اعظم این جنبش به سمت اردوی سرنگونی طلب چرخید که بخش مهمی از آن به سمت اپوزیسیون ناسیونالیست طرفدار غرب چرخید. این جریانات در قالب جمهوری خواهان، اکثریت، و غیره در مدارهای دور و نزدیک حول مرکز اپوزیسیون راست، یعنی رضا پهلوی و جریانات مشروطه طلب، به گردش در آمدند. بخش کوچکتر اما میلیتانت تر، آرمان خواه تر و جوان تر این جنبش به سمت اپوزیسیون سرنگونی طلب چپ و کمونیست متمایل شد و در مدار دور یا نزدیک به دور سیاست های حزب حکمتیست به گردش در آمد. باقی مانده دو خرداد که تعلق سیاسی و ایدئولوژیک عمیقتری با جمهوری اسلامی داشت در هراس از سرنگونی کل حکومت اسلامی در مقابل مردم، سردرگم و بی راه چاره در دامان جمهوری اسلامی به فعالیت آکادمیک و فرهنگی اسلامی بازگشت.

۳- تا قبل از شکست نهائی دو خرداد کشمکش اصلی در جامعه حول رقابت میان جنبش سرنگونی، بطور کلی، و دو خرداد و اپوزیسیون طرفدار رژیم در تبدیل شدن به پرچم اعتراض و نارضایتی مردم بود. با شکست دو خرداد این رقابت از میان رفت و صورت مسئله جامعه به کدام سرنگونی؟ و سرنگونی چگونه؟ تبدیل شد.

۴- همراه با بی ربط شدن پرچم دو خرداد، پرچم ضد دو خردادی و پرچم علی العموم ضد رژیمی و سرنگونی طلبی هم فاقد جنبه هویتی متمایز کننده گردید. با شکست دو خرداد رقابت برای جلب مردم و برای سازمان دادن سرنگونی جمهوری اسلامی به درون صف جنبش سرنگونی و میان پرچم راست و پرچم چپ در این میدان منتقل گردید.

۵- ناتوانی دو خرداد در پاسخ گوئی به ابتدائی ترین نیازهای اقتصادی مردم و تعمیق فلاکت در میان بخش های وسیع مردم پوپولیست ترین و ارتجاعی ترین بخش رژیم را با یک پلاتفرم اقتصادی برای مقابله با فقر و فلاکت به میدان آورد و حمل عروج جریان احمدی نژاد گردید. جمهوری اسلامی در مقابل مردم و در مقابل بن بست کامل سیاسی و اقتصادی خود فشرده ترین نیروی ارتجاعی و هسته ایدئولوژیک خود را به میدان آورد و به آخرین سنگر ممکن رفت. با شکست این آلترناتیو یافتن جانشینی توسط جمهوری اسلامی بسیار بعید است.

۶- با تبدیل سرنگونی به بستر اصلی مبارزه در جامعه، پیروزی جنبش سرنگونی بیش از هر چیز موکول به اتحاد مردم به گرد یکی از دو پرچم موجود در این جنبش گردید. مردم در مقابل یک انتخاب قرار گرفتند. بدون چنین انتخابی جنبش سرنگونی فاقد قطب نما، فاقد رهبری و فاقد امکان پیروز شدن است.

۷- اپوزیسیون ناسیونالیست پرو غرب در شرایط کنونی به دلایل زیر فاقد امکان تأمین پیروزی جنبش سرنگونی است:

أ. انقلاب ۵۷ ایران، همراه با طبقه کارگر و کمونیست ها، بورژوازی ایران را نیز بالغ کرد. اپوزیسیون ناسیونالیست پرو غرب یک نیروی سرنگونی طلب است اما خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی بدون افتادن قدرت به دست مردم و طبقه کارگر است. این اپوزیسیون در ترس از مردم به صحنه آمده و قدرت یافته تلاش میکند تا با بخش هایی از خود دستگاه جمهوری اسلامی کنار بیاید و قدرت را از بالا و حتی المقدور بدون دخالت مردم بدست بگیرد. طرح فراندن برای سرنگونی جمهوری اسلامی و طرح های خیالی در مورد انواع انقلابات مخملین و زرد و نارنجی و غیره همگی راه حل هایی برای سرنگونی جمهوری اسلامی بدون دخالت مستقیم مردم در قدرت سیاسی است. این روش ها در مقابل جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی که در جامعه ریشه دار هستند، ناتوان است. این سیاست ها، حتی به عنوان سیاست های راست، فاقد قابلیت سرنگون کردن جمهوری اسلامی هستند.

آ. یکی از ارکان جذابیت و قدرت ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی حمایت دولت های غربی، و بویژه آمریکا، از آنان و تداعی کردن خود با فرهنگ و تمدن، و ارزش های پیشرفته غربی و مدرنیسمی است که جامعه ایران تشنه آن است، میباید. این اپوزیسیون از نظر سیاسی نیز دولت های غربی و بویژه دولت آمریکا را به عنوان یک اهرم قدرت وارد معادله سیاسی ایران نموده است. دامن زدن به توهم در میان مردم به نجات از طریق آمریکا، توهم پراکنی پیرامون تاثیرات فشار سیاسی، اقتصادی و نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی و تلاش برای استفاده از آمریکا به عنوان کاتالیزور سازش با بخش هایی از دستگاه دولت جمهوری اسلامی از جمله مبنای استراتژی سیاسی اپوزیسیون راست است.

آ. اما پدیدار شدن نتایج مصیبت بار سیاست ضربه پیشگیرانه آمریکا برای مردم عراق از یک طرف و تضعیف آمریکا در مقابل اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی منجر به از دست دادن بخش اعظم عضله آمریکا برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی شد. همراه این تغییر تناسب قوا جاذبه آمریکا، جذابیت چشم دوختن به آمریکا و همراه آن افق تغییر رژیم با کمک آمریکا لطمه جدی خورد. و اپوزیسیون راست پیش از هر نیروی سیاسی دیگری توکل مردم به خود را از دست داد.

آ. سیاست آمریکا در بحران غنی سازی اورانیوم در مقابل جمهوری اسلامی ناسیونالیسم راست پرو غرب را با عمیق ترین بحران سیاسی و ایدئولوژیک تاریخ خود روبرو کرده است. بحرانی که بدون تردید با خشن تر شدن کشمکش میان آمریکا و جمهوری اسلامی منجر به تحولات بسیار جدی و صف بندی تماما جدیدی در این اپوزیسیون خواهد شد.

۱ - سیاست آمریکا در مقابل غنی سازی اورانیوم توسط جمهوری اسلامی تلاش برای ممانعت از دست یابی ایران به تکنولوژی هسته ای از سیاست ضربه پیشگیرانه که ناظر بر قدری مطلق آمریکا بر جهان است ناشی میشود. سیاست ضربه پیشگیرانه

در این مورد مشخص و تهدیدات آمریکا و اسرائیل برای توسل به نیروی نظامی، که بدون تردید بنیاد های اقتصادی ایران را به نابودی میکشاند، با هسته ایدئولوژیک و فلسفه وجودی ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی در تناقض قرار میگیرد. ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی آرمان خود را ایران صنعتی و مدرن به شیوه غربی تعریف میکند. این آرمان با خطر بازگشت ایران به عصر حجر^۱ در اثر حمله آمریکا و همچنین با ممانعت از دست یابی ایران به تکنولوژی هسته ای در تناقض قرار میگیرد. سیاست آمریکا از نظر ایدئولوژیک و آرمانی ناسیونالیسم راست پرو غرب را در بن بست قرار داده است و این اپوزیسیون را در مسیر مخالف آمریکا قرار میدهد که برای آن از نظر ایدئولوژیک یک خودکشی است.

۲ - باختن عملی عراق به اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی توسط آمریکا و ناتوانی اپوزیسیون راست در سازماندهی هر تحرک جدی سیاسی برای سرنگونی جمهوری اسلامی، دولت آمریکا را به نیروهای سناریو سیاه در ایران یعنی مجاهدین و قوم پرستان و ناسیونالیست های قومی نزدیک کرده است. اما فدرالیسم قومی که امروز پرچم قوم پرستان ترک و کرد و عرب و بلوچ و غیره است، نسخه پاشاندن بنیاد های زندگی مدنی در ایران و عراقیزه کردن اوضاع ایران در ابعادی به مراتب وسیع تر است. این جهت گیری جدید آمریکا قدم دیگری در به بحران کشاندن ناسیونالیسم پرو غرب ایران است. هم چندی دولت آمریکا به قوم پرستان و نیروهای دیگر سناریو سیاهی، از نظر سیاسی، آرمانی و ایدئولوژیک کل اپوزیسیون ناسیونالیست پرو غرب ایران را، که هویتش دفاع از تمامیت ارضی^۲ ایران است^۳ را دچار یک بحران هویتی میکند.

۳ - سیاست آمریکا در بحران غنی سازی اورانیوم و تقویت جریانات قوم پرست و باند سیاهی در سیاست ایران، جمهوری اسلامی و بخصوص جریان احمدی نژاد، را در موقعیتی قرار داده است که پرچم آرمانهای ایران یک پارچه و ایران صنعتی و پیشرفته را از دست ناسیونالیسم پرو غرب خارج کند و خود بدست بگیرد.

۴ - این تغییرات به بحران درون اپوزیسیون ناسیونالیست طرفدار غرب ابعادی داده است که بخش های مهمی از آن^۴ نظیر حزب مشروطه، با وساطت اکثریت به^۵ اندیشیدن به نیاندیشیدنی ها^۶ یعنی به ائتلاف با جمهوری اسلامی متمایل شده است. تحقق این امر نه تنها صفوف اپوزیسیون راست ایران را برای همیشه تغییر خواهد داد بلکه برای جمهوری اسلامی عمر خواهد خرید.

۷. سیاست آمریکا ناسیونالیسم راست پرو غرب را گیج و فلج کرده است و همراه با آن جنبش سرنگونی که بخش اعظم افق و امید خود را از این اپوزیسیون میگرفت را گیج و بی قطب نما کرده است.

۸- شکست دو خرداد با توجه به مقابله دائمی چپ، بویژه حزب کمونیست کارگری در دوره منصور حکمت، با دو خرداد، میبایست منجر به دست بالا پیدا کردن پرچم و افق چپ در جامعه میشد. اما چنین نشد:

ا. حزب کمونیست کارگری ایران نتوانست اوضاع جدید بعد از شکست دو خرداد را درک کند. از دست دادن منصور حکمت، که تقریباً همزمان با قطعی شدن شکست دو خرداد بود، تناسب قوای درونی حزب کمونیست کارگری را به ضرر خط حکمت و به نفع چپ سنتی ضد رژیم، که از نظر افق جناح میلیتانت اپوزیسیون ناسیونالیست پرو غرب است، را تغییر داد. حزب کمونیست کارگری، که تا این زمان شناخته ترین و بارز ترین نیروی چپ در جامعه است، بخود مشغول میشود، عرصه جامعه واقعی را ترک میکند، در دنیای مجازی^۷ ضد دو خرداد^۸ باقی میماند فاقد توانائی متمایز کردن خود از اپوزیسیون راست در جنبش سرنگونی میشود.

ii. حزب کمونیست کارگری از بعد از کنگره چهارم خود در سال ۲۰۰۲، قطب نمای سیاسی خود را از دست میدهد و چون کشتی سرگردان در توفان، تلاش میکند تا فرصت طلبانه بر هر موج سیاسی سوار شود و هر روز به سمتی میرود و در دنیای سیاسی در دنباله رو اپوزیسیون راست و جریانات قومی میشود. از همراه شدن با هخا و تحركات الحواز تا شرکت در^۹ جنبش گنجی^{۱۰}. از پایکوبی برای تحرک ناسیونالیسم ترک در ماجرای کاریکاتور تا همراهی با فراخوان های حزب دمکرات کردستان و پژاک، از پذیرش صورت مسئله آمریکا در بحران غنی سازی اورانیوم تا دوختن چشم امید به نتایج حمله آمریکا به عراق، و بالاخره با چرخش به مواضع راست ترین جریانات سیاسی در حمایت از حمله اسرائیل به لبنان، قادر به دادن تعریف متمایزی از خود و از پیروزی جنبش سرنگونی زاویه طبقه کارگر نیست و نمیتواند خود را در سیاست روز از اپوزیسیون راست متمایز کند.

iii. چپ جامعه نیز به این ترتیب همراه سقوط حزب کمونیست کارگری پرچم خود در رهبری جنبش سرنگونی را از دست میدهد.

۹- جدائی حزب حکمتیست از حزب کمونیست کارگری، علاوه بر جنبه های متفاوت، تئوریک، تاریخی، و جنبشی، از نظر سیاسی تلاش برای پاسخ گوئی به موقعیت جدید سیاسی جامعه ایران بعد از دو خرداد و تعریف پیروزی طبقه کارگر از جنبش سرنگونی و تبدیل این تعریف به پرچم اعتراض جامعه به جمهوری اسلامی است. نیروی این حزب در فاصله دو سالی که از تاسیس آن میگذرد معطوف به بستن سدی در مقابل هژمونی راست و قوم پرستان بر فضای سیاسی ایران و باز سازی اعتماد به چپ در یک تناسب قوای سیاسی بسیار نامناسب تری از سابق بوده است.

ب- امروز سرنوشت جامعه ایران را تقابل دو جنبش اصلی تعیین میکند. ناسیونالیسم راست طرفدار غرب و جنبش کمونیستی طبقه کارگر. طبقه کارگر و جنبش کمونیستی این طبقه تنها با تبدیل شدن به محمل، پرچم و سازمانده جنبش سرنگونی و معنی کردن پیروزی جنبش سرنگونی از زاویه منفعت طبقه کارگر به معنی پیروزی برای جامعه است که میتواند جنبش سرنگونی را از سرگیجه کنونی خارج کند، به عمر جمهوری اسلامی خاتمه دهد و بخصوص جنبش سرنگونی را به نقطه شروع یک انقلاب بی واسطه و مداوم به انقلاب سوسیالیستی و تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری و برقراری جمهوری سوسیالیستی تبدیل نماید. این مهمترین مصاف سیاسی کمونیسم در تاریخ معاصر است که سرنوشت جامعه ایران را نیز تعیین خواهد کرد. دریچه ای از امکان قدرت گیری کمونیسم در مقابل طبقه کارگر و کمونیسم در ایران مجددا باز شده است.

قطعه نامه در مورد

خطر پاشیدن شیرازه جامعه ایران و شیوه ممانعت از آن

پیشنهاد کننده کورش مدرسی

حمایت کنندگان: مظفر محمدی، بهرام مدرسی، امان کفا، ایرج فرزاد، ثریا شهابی، جمال کمانگر، عبدالله دارابی
با توجه به اینکه:

۱ - سیاست ارتجاعی [ضربه پیشگیرانه] دولت آمریکا انعکاس تلاش این دولت برای در نطفه خفه کردن امکان شکل گیری هر نیروئی در جهان که در آینده بتواند برای حاکمیت بلامنزاع آمریکا بر جهان و منابع ثروت آن ایجاد خطر نماید است. این سیاست دنیا را با چشم انداز مهبیی روبرو کرده است. دولت آمریکا رسماً دنیا را بر اساس منافع خود به دو اردوی خیر و شر تقسیم کرده است و بر این اساس در کار اعمال یک آپارتاید تکنولوژیک و اقتصادی بر جهان است؛

۲ - دولت آمریکا نشان داده است که در این راه بر نابودی پایه های اقتصادی یک جامعه و عقب راندن آن به عهد حجر با اتکا به مخرب ترین و مهلک ترین ماشین جنگی تاریخ بشر، یعنی ارتش آمریکا، و گسیختن شیرازه های جامعه انسانی و عراقیزه کردن آن با توسل به نیروهای قوم پرست و ماجراجویان و گانگسترهایی سیاسی اتکا میکند؛

۳ - دولت آمریکا در راستای سیاست ضربه پیشگیرانه میخواهد مانع دست یابی جمهوری اسلامی به تکنولوژی هسته ای شود. اما این دولت با شکست خود در مقابل جمهوری اسلامی در عراق و ناتوانی مولفین سنتی خود، یعنی اپوزیسیون راست طرفدار غرب، در ارائه هر بدیل معتبری برای فشار جمهوری اسلامی، به دارو دسته های قوم پرست و ماجراجویان سیاسی از یک طرف و تدارک یک حمله نظامی نابود کننده به بنیاد های اقتصادی و صنعتی ایران روی آورده است؛

۴ - جمهوری اسلامی به نوبه خود برای دفاع از موجودیت خود در مقابل خطر دچار شدن به سرنوشت رژیم عراق، برای کم کردن فشار اعتراضی مردم به خود و با دلگرمی که از قدرت گیری خود در عراق یافته است به مقابله با آمریکا روی آورده است. جمهوری اسلامی با توسل به تحریک احساسات ناسیونالیستی در جامعه و با جنگی کردن فضای کشور بخش های مهمی از اپوزیسیون راست پرو غرب را به حمایت از خود بکشاند، صفوف خود را منسجم تر کند و مبارزه برای سرنگونی خود را کنار بزند؛

۵ - جریانات اسلامی در جامعه ریشه دارند و به سرعت ذوب نمیشوند و همچنین با توجه به قابلیت فاشیستی جریانات قوم پرست، جامعه ایران در مقابل خطر تحقق سناریو سیاه به شدت آسیب پذیر تر گردیده است، این خطری است که چون شمشیر دامکلس بر سر مردم ایران نگاه داشته شده است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست اعلام میکند که سر راست و مطمئن ترین راه برای مقابله با تحقق چنین سناریوئی سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق قیام مردم و حول منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. در همان حال کنگره حزب توجه همگان را به واقعیت های زیر جلب میکند:

۱ - هرگونه ماجراجوئی نظامی آمریکا و اسرائیل در ایران و هرگونه محاصره و تحریم اقتصادی ایران مستقیماً به زیان مردم ایران است و به عمر جمهوری اسلامی می افزاید. باید اکیداً مورد مخالفت مردم و نیروهای سیاسی قرار گیرد.

۲ - دامن زدن به هویت قومی، تقویت جریانات قوم پرست و بدست گرفتن پرچم فدرالیسم قومی مستقیماً در خدمت به نابودی کشاندن جامعه ایران و تحقق سناریو سیاه است، اکیدا باید توسط مردم محکوم شود و نیروهای قوم پرست باید افشا و ایزوله گردند.

۳ - در هر حال تنها ضامن دفاع از مدنیت جامعه حضور نیروی سازمان یافته و قدرتمند مردم حول دفاع از آزادی و امنیت و مقابله با قوم پرستی و نیروهای سناریو سیاه است. سازمان دادن و به میدان آوردن این نیرو، همانگونه که تجربه عراق نشان میدهد، موکول کردن این سازمان یابی و این قدرت گیری مردم به بعد از تحقق حمله آمریکا به ایران و یا فروپاشی نهادهای زندگی مدنی تحت فشار قوم پرستان بشدت خطرناک و مهلک است و این کار باید بسیار قبل از تحقق چنین سناریوئی صورت گیرد و اصولاً وجود چنین صفی از مردم سازمان یافته و قدرتمند خود باعث تضعیف احتمال تحقق این سناریو میشود.

۴ - قدرتمند شدن و سازمان یافتن مردم از طریق اتحاد حول یک پرچم و سازمان یابی حول یک محور ممکن است. حزب کمونیست کارگری حکمتیست مردم را به اتحاد حول پرچم این حزب، که پرچم آزادی و برابری انسان است فرا میخواند.

۵ - کنگره اول حزب مردم را فرا میخواند تا با سازمان یافتن محلی و گسترش کنترل خود بر هر فعل و انفعال محلی و با تدارک ایجاد واحد های گارد آزادی برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای سناریو سیاه، با قدرت آزادی و امنیت خود را تضمین نمایند.

۶ - کنگره اول حزب توجه همه کمیته های کمونیستی حزب، تشکل های گوناگون محلی و و واحد های گارد آزادی را به این واقعیت جلب میکند که حضور حزب یا فعالیت گارد آزادی در هر جا باید با محدود شدن دامنه عمل نیروهای اسلامی و قوم پرست و با گسترش آزادی سیاسی و فرهنگی و ریشه گرفتن دفاع از ارزش ها و استانداردها انسانی با اتکا به قدرت مردم تداعی شود.

قطعه نامه در باره نیروی مسلح حزب (گارد آزادی)

پیشنهاد دهنده: محمود قزوینی

امضاء کننده: امید خدابخشی، نسیم رهنما، ناهید ریاضی، برهان دیوارگر، اسد گلچینی، ناهید ریاضی، یکی از رفقای داخل کشور

الف- تعریف و اهداف

۱- گارد آزادی نیروی مسلح حزب کمونیست کارگری حکمتیست است که در شرائط توازن قوای کنونی سازماندهی آن در کردستان ایران ممکن و عملی است.

۲- تشکیل گارد آزادی در کردستان به مثابه ایجاد بازوی نظامی طبقه کارگر در میان بخشی از این طبقه در ایران میباشد و باید به منافع محلی و سراسری طبقه کارگر یاری برساند.

با پیشروی مبارزه مردم در سراسر ایران و ایجاد فضای انقلابی و پدیدار شدن روحیه انقلابی و یا با بوجود آمدن بحرانهای سیاسی شدید و شل شدن بیشتر پیچ و مهره های رژیم که امکان کنترل کامل رژیم بر فضای جامعه از دست میرود و یا با شروع روند فروپاشی رژیم، حزب حکمتیست تشکیل گارد آزادی را در دستور خود در بقیه نقاط ایران هم قرار میدهد و تشکیلات گارد آزادی را در سراسر ایران توسعه میدهد.

۳- گارد آزادی بعنوان بازوی نظامی حزب در خدمت اهداف، آرمانها و برنامه این حزب سازمان میابد. هدف فوری این نیرو تضمین قدرت نظامی حزب، طبقه کارگر و مردم انقلابی است. این نیرو در تقویت مبارزات امروز طبقه کارگر و مردم بر علیه رژیم جمهوری اسلامی عمل میکند و در جریان قیام مردم و سرنگونی رژیم، شرکت فعال میکند و تلاش میکند قیام مسلحانه مردم بر علیه رژیم را رهبری کند.

۴- تشکیل گارد آزادی و فراهم کردن زمینه مسلح شدن مردم به زیر پرچم یک جریان سوسیالیستی، از خطر سناریوی سیاه و از هم پاشیدن بنیادهای زندگی مدنی در جریان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و پس از آن، توسط دارو دسته های مسلح قومی و مذهبی و گانگسترهای نظامی و یا در جریان جنگ و حمله نظامی محتمل آمریکا جلوگیری میکند. یکی از اهداف گارد آزادی مقابله با چنین سناریوهایی در آینده و تضمین امنیت و زندگی مردم و بنیادهای جامعه مدنی در مقابل دارو دسته های مختلف ارتجاعی است.

ب- شرائط و سازماندهی

۱- سابقه مبارزه مسلحانه مردم بر علیه جمهوری اسلامی در کردستان ایران، عدم وجود یک نیروی حداقل و پایه برای زیست رژیم در کردستان و کنترل جامعه توسط آن، بیگانگی مطلق رژیم با جامعه کردستان، مسلح بودن احزاب سیاسی در کردستان، امکان و ضرورت مسلح بودن حزب در کردستان را ایجاد میکند.

عدم توانایی رژیم در کنترل جامعه کردستان، تنفر عمیق مردم از رژیم، فضای جامعه را برای اشکال عالیتر سازماندهی و متشکل شدن مردم در شکل مسلحانه را ممکن میسازد. موجودیت رژیم اسلامی در کردستان مانند وجود اسرائیل در مناطق اشغالی فلسطین است.

۲- در کردستان ایران رژیم بر محلات شهرها و روستاها کنترلی ندارد و یا کنترل بسیار ضعیفی دارد. برای همین تاکنون مانور سیاسی نظامی نیروهای مسلح احزاب سیاسی به شکل علنی و مخفی در سطح نسبتا وسیع ممکن شده است. تشکیل گارد آزادی و مانورهای سیاسی و نظامی آن بر این متن ممکن شده است.

۳- نیروی مسلح حزب کمونیست کارگری حکمتیست (گارد آزادی) در شرایط کنونی هسته یکی از اشکال سازماندهی مردم (سازماندهی نظامی) بر علیه رژیم جمهوری اسلامی در کردستان است

۴- نیروی مسلح حزب کمونیست کارگری حکمتیست در کردستان (گارد آزادی) بر متن مبارزه عمومی توده ای مردم بر علیه رژیم سازماندهی میشود و امکان مسلح شدن توده های مردم را در سطح وسیع ممکن میسازد. با پیشروی مبارزه مردم و یا خروج نیروهای رژیم از کردستان، حزب در سطح وسیع توده های مردم را در تشکل های توده ای خود مسلح میکند. گارد آزادی امکان سریع مسلح کردن تشکل های توده ای و مسلح کردن کامل حزب در آن شرائط را فراهم میکند.

۵- (گارد آزادی) در جریان سرنگونی رژیم توسط توده های مردم و یا خروج نیروهای رژیم از کردستان، امر برچیدن و یا خروج نیروهای رژیم را تسهیل میکند، امکان مسلح شدن سریع توده ها را و زمینه قدرت گیری حزب در کردستان را فراهم میسازد.

۶- حزب حکمتیست در شرائط کنونی تشکیل گارد آزادی در خارج از کردستان را در دستور کار خود ندارد. نه سطح مبارزه مردم و نه درجه کنترل رژیم بر جامعه این امکان را میدهد که بخشی از تشکیلات حزب و یا مردم مسلح شوند. تشکیل گارد آزادی در شرائط کنونی در خارج از کردستان، مانند همه اشکال مبارزه جدا از توده به مبارزه جاری مردم لطمه میزند، پیشروان را از متحد و متشکل کردن مردم دور میکند و زمینه سرکوب شدید فعالین و مردم را فراهم میسازد.

اما با فراهم آمدن شرائط عینی تشکیل گارد آزادی در بقیه شهرهای ایران، حزب به سرعت و به فوریت تشکیل گارد آزادی را در سطح سراسری در دستور کار خود قرار میدهد.

کمونیس‌ت‌ها و حقوق کودکان

بیانیه کنگره اول حزب حکمتیست

پیشنهاد دهندگان: ثریا شهبابی، برهان دیوارگر، ناهید ریاضی، امان کفا

امضا کنندگان: بهرام مدرسی، محمد فتاحی، عبه شریفی، آذر مدرسی، محمود قزوینی، عبدالله دارابی

کار کودکان، فقر و گرسنگی، مرگ و میر کودکان بر اثر سوتغذیه و بیماری‌های قابل پیشگیری، و بالاخره محرومیت سیستماتیک اکثریت کودکان جامعه از یک زندگی سالم کودکی، مشخصه جهان معاصر است. جهان نابرابر و ناعادلانه‌ای که در آن دریای عظیمی از ثروت و امکانات در یک طرف و کوهی از فقر و محرومیت در طرف دیگر انباشت شده است. جهانی که سرمایه داری با دولتهایش برای اکثریت عظیمی از مردم به قیمت محرومیت آنها ساخته است. جهانی که در آن اکثریت کارکنان جامعه، سازندگان ثروت و خوشبختی، از آن بی بهره اند.

در این جهان نابرابر و ناعادلانه، کودکان اولین قربانیان اند. کودکان نه تنها بعنوان اعضا خانواده کارکنان جامعه، قربانی فقر و نداری خانواده در نظام و سیستم استثمارگر سرمایه اند، نه تنها دوران کودکیشان را بعنوان نیروی کار فردا با حداقل معیشت و در محرومیت مطلق سپری میکنند، بعلاوه صدها میلیون آنها در جهان بعنوان کودکان کار، نیروی کار ارزان، بی حقوق، بی صدا و کت بسته، برده کار اند و استثمار میشوند. صدها میلیون کودک هنوز دوران کودکی را سپری نکرده، به نان آوران خانواده، کارکنان جامعه و بردگان مزد تبدیل شده اند. این شرایط متعارف سرمایه، و قربانگاه کودکان است. در شرایط غیر متعارف که هر روز بیش از پیش مهر خود را بر زندگی متعارف مردم جهان میزند، در شرایط جنگ و بحرانهای سیاسی و اجتماعی، باز کودکان قربانیان اول اند. استفاده از کودکان بعنوان نیروی جنگی، دسته مسلح، مین یاب و مین پاک کن، و تبدیل کردن آنها به اهداف بمبارانها، شستشوی مغزی آنها برای کشاندن آنها به جنگ و تبلیغات جنگی، هر کجا که منفعت سرمایه ایجاب کند، جلوه دیگری از ابعاد قربانی شده کودکان در نظام سرمایه است.

این شرایط نه محصول خدا و طبیعت که محصول نظام و سیستمی است که هم از بی تامینی و بی حقوقی کودکان سود میبرد و هم از نیروی کار و دستان و جثه کوچک آنها! این نظام ناعادلانه محصول سرمایه داری است که بر انهدام خانواده های کارگری، تبدیل هر چیز از جمله کودکان و اعضا بدن انسانهای زنده به کالاهای قابل خرید و فروش، تبدیل تمام هستی و وجود خانواده های کارکنان جامعه به موضوعاتی برای معامله و سودهی، بنا شده، و بر این پایه زنده است و رشد میکند.

مبارزه علیه سرمایه داری، مبارزه ای علیه تمام وجوه بی حقوقی و بی تامینی کودکان و علیه کار کودکان است.

کودکان در سراسر جهان اولین قربانیان نظام استثمارگر سرمایه اند. اما در جوامعی چون ایران که علاوه بر فقر و فلاکت، اختناق و حاکمیت یک حکومت مذهبی - اسلامی میدان دیگری در حمله به کودکان باز کرده است، بی حقوقی کودک ابعادی هولناک تر و دهشتناک تر می یابد.

در جوامعی چون ایران که علاوه بر تمام اشکال تعرض به کودکان، تعرض عنان گسیخته مذهب به بی حقوقی کودک ویژگی دیگری میبخشد، مبارزه برای بهبود وضعیت کودکان از مبارزه علیه حاکمیت اسلام جدا نیست.

حزب حکمتیست بعنوان یک نیروی سرنگونی طلب و کمونیس‌ت در مبارزه اش برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری، بهبود شرایط کودکان را اولویت خود میداند. حزب حکمتیست مبارزه برای تحقق فوری مطالبات زیر را در اولویت کار خود قرار میدهد و خود راسا به هر میزان و در هر کجا که کنترل زندگی مردم را از دست جمهوری اسلامی خارج کرد، و مردم را بر سر نوشت شان حاکم کرد، آن را فوراً به اجرا خواهد گذاشت.

تامین فوری این مطالبات برای تمام کودکان، افراد زیر ۱۸ سال، و اختصاص بیشترین امکانات مادی و معنوی جامعه به آن، وظیفه هر دولت و حکومتی است.

حقوق پایه ای

- ۱- حیات پایه‌ای ترین حق هر کودک است. جسم و روح کودکان از هر نوع تعرض مصون است.
- ۲- هر کودک حق یک زندگی شاد، ایمن و خلاق را دارد. تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی، با جامعه است. همه کودکان و نوجوانان باید استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی، در بالاترین سطح ممکن، را داشته باشند.
- ۳- هر کودک حق معاش و برخورداری از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی را، با بالاترین استاندارد موجود در جهان، دارد.
- ۴- هر کودک حق مسکن مناسب، با بالاترین استاندارد موجود را دارد.
- ۵- هر کودک حق فراغت و تفریح و آسایش دارد.
- ۶- هر کودک حق سلامت و برخورداری از کلیه امکانات جامعه امروزی برای مصون بودن از صدمات و بیماری ها را دارد. حق برابر همه کودکان در استفاده از امکانات بهداشتی و درمانی در جامعه.
- ۷- هر کودک حق آموزش و دسترسی به امکانات رشد و پرورش استعدادهايش را دارد.
- ۸- حق هر کودک در برخورداری از یک محیط زیست سالم و ایمن باید تضمین شود.
- ۹- کودکان از حق معاشرت و زندگی اجتماعی برخوردارند. هر نوع جداسازی و محروم سازی کودکان از محیط های اجتماعی کودکان و ممانعت از امکان معاشرت با سایر کودکان، ممنوع است.
- ۱۰- ممنوعیت هر نوع آزار کودکان در خانواده، مدارس و موسسات آموزشی و در سطح جامعه بطور کلی.
- ۱۱- ممنوعیت اکید تنبیه بدنی، ممنوعیت فشار و آزار روانی و ارعاب و ترساندن کودکان.
- ۱۲- ممنوعیت هر نوع تعرض به جسم کودک، از جمله به بهانه مذهب، سنت و رسوم (مثل ختنه، سوراخ کردن گوش و ...).
- ۱۳- ممنوعیت انجام هر گونه آزمایشات پزشکی و دارویی و عمل جراحی روی کودکان، جز در مواردی که مستقیماً معطوف به سلامت کودک و پیشگیری از بیماری ها است.

- ۱۴- ممنوعیت حبس و زندانی کردن کودکان.
- ۱۵- ممنوعیت اعدام بطور کلی و اعدام کودکان بطور اخص.
- ۱۶- ممنوعیت شکنجه، اقرار گرفتن از کودکان.
- ۱۷- ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال.
- ۱۸- ممنوعیت هر نوع انقیاد، بردگی و بیگاری کشیدن از کودکان، در هر پوشش و با هر توجیهی.
- ۱۹- مقابله قاطع قانون با سواستفاده جنسی از کودکان. سواستفاده جنسی از کودکان جرم سنگین جنایی محسوب میشود.
- ۲۰- تعقیب و مجازات قانونی کسانی که به هر طریق و به هر توجیه مانع بر خورداری کودکان، اعم از دختر و پسر، از حقوق مدنی و اجتماعی خویش، نظیر آموزش، تفریح، و شرکت در فعالیت های اجتماعی مخصوص کودکان گردند.
- ۲۱- برابری حقوقی کامل کودکان، اعم از دختر و پسر.
- ۲۲- برابری حقوقی کامل کودکان، اعم از خارجی و غیر خارجی.
- ۲۳- ممنوعیت اخراج کودکان از کشور.
- ۲۴- ممنوعیت جابجایی جغرافیایی کودکان، بدون توجه به منفعت مستقیم و مستقل کودکان.
- ۲۵- برابری حقوقی کامل کودکان، اعم از اینکه در خانواده بیولوژیکی زندگی میکنند، یا غیربیولوژیکی، و یا تحت سرپرستی موسسات و نهادهای نگاهداری از کودکان قرار دارند.
- ۲۶- برابری حقوقی کامل کودکان، اعم از اینکه داخل یا خارج ازدواج دنیا آمده باشند.
- ۲۷- حق هر کودک در جستجو و اطلاع از حقیقت، در مورد کلیه جوانب زندگی اجتماعی.
- ۲۸- آزادی کودکان در ابراز عقیده و بیان خود، آزادی در تردید و نقد کلیه جوانب زندگی اجتماعی.
- ۲۹- ممنوعیت تفتیش عقاید از کودکان.
- ۳۰- حق رای همگانی و برابر کلیه افراد بالاتر از شانزده سال مستقل از جنسیت، تعلقات مذهبی، قومی، ملی، شغلی، تابعیت، مرام و عقیده سیاسی و آزادی هر فرد بالاتر از شانزده سال برای کاندید شدن در هر نهاد و ارگان نمایندگی و یا احراز هر پست و مقام انتخابی.
- ۳۱- آزادی بی قید و شرط هر فرد بالای شانزده سال اعم از دختر و پسر در انتخاب محل سکونت، آزادی سفر و نقل و مکان.
- ۳۲- ممنوعیت هر نوع کنترل دائمی عبور و مرور در داخل کشور برای افراد بالای شانزده سال، توسط دولت و مقامات انتظامی. لغو هر نوعی محدودیت بر خروج از کشور، صدور بی قید و شرط و فوری گذرنامه و جواز ورود و خروج برای همه افراد بالای شانزده سال.
- ۳۳- مصونیت زندگی خصوصی کودک، مکاتبات و مراسلات و مکالمات کودک.
- ۳۴- حق هر زوج بالای ۱۶ سال به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود. ممنوعیت هر نوع اجبار و اعمال فشار از جانب هر فرد و مرجعی بر افراد در امر انتخاب زوج، زندگی مشترک و جدایی.
- ۳۵- رابطه جنسی افراد بزرگسال (بالای سن قانونی بلوغ)، با افراد زیر سن قانونی، ولو با رضایت آنها، ممنوع است.
- ۳۶- ممنوعیت تبعیض بر مبنای علائق جنسی.
- ۳۷- ممنوعیت هرگونه استفاده از کودکان در مراسم، فرقه ها و دستجات مذهبی، نظامی و ایدئولوژیکی. ممنوعیت بکارگیری کودکان در جنگها، عضویت در دستجات مذهبی و نظامی، ممنوعیت هرگونه تسلیح کودکان و آموزش نظامی آنها.

رفع تبعیض بین کودکان بر حسب جنسیت

- ۱- اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه دختران در خانواده
- ۲- تلاش فشرده و مستقیم نهادهای ذیربط دولتی برای مبارزه با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن در جامعه. تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی معطوف به کسب و تثبیت برابری زن و مرد.
- ۳- تشویق و تقویت نهادهای غیر دولتی برای گسترش فعالیت معطوف به کسب حقوق کودک.
- ۴- ممنوعیت استفاده از عناوینی نظیر دوشیزه، خواهر و هر لقبی که کودک دختر را به اعتبار موقعیتش در قبال پسر تعریف میکنند، در مکاتبات و مکالمات رسمی توسط مقامات و نهادها و بنگاه های دولتی و خصوصی. ممنوعیت هر نوع برخورد تحقیرآمیز، مردسالارانه، پدرسالارانه و نابرابر با دختران در نهادها و موسسات اجتماعی.
- ۵- حذف کلیه اشارات تبعیض آمیز و تحقیرآمیز نسبت به زنان و دختران از کتب و منابع درسی و متقابلاً گنجاندن مواد درسی لازم برای تفهیم برابری زن و مرد و نقد اشکال مختلف ستمکشی زن در جامعه.
- ۶- ایجاد نهادهای بازرسی، تشخیص جرم و واحدهای انتظامی ویژه برخورد به موارد آزار و تبعیض نسبت به کودکان دختر.
- ۷- ممنوعیت هر نوع دخالت از جانب هر مرجعی اعم از بستگان و اطرافیان یا نهادها و مراجع رسمی در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی دختران بالای شانزده سال.
- ۸- ممنوعیت تجسس و دخالت در وجود و عدم وجود پرده بکارت دختران، جز در مواردی که مستقیماً به بهداشت و سلامت دختران مربوط است.

مصونیت کودکان در مقابل مذهب

- ۱- جدایی کامل مذهب از آموزش و پرورش
- ۲- ممنوعیت مدارس مذهبی برای کودکان
- ۳- ممنوعیت تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبیه موضوعات در مدارس و موسسات آموزشی
- ۴- آموزش جنسی بعنوان ماده درسی در مدارس
- ۵- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصل آموزش و پرورش غیر مذهبی هستند
- ۶- ممنوعیت سمبل های مذهبی در مدارس
- ۷- برقراری آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح
- ۸- ممنوعیت دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی به کودکان و افراد زیر شانزده سال.
- ۹- ممنوعیت جلب افراد زیر شانزده سال به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی
- ۱۰- ممنوعیت حجاب برای دختران زیر شانزده سال
- ۱۱- ممنوعیت ختنه کودکان اعم از دختر و پسر
- ۱۲- ممنوعیت تبعیض بین کودکان بر حسب اینکه محصول چه رابطه جنسی اند. اطلاق کودکان خارج از ازدواج به عناوین تحقیر آمیزی چون □ تخم حرام □ ؛ □ حرامزاده □ و □ زنازاده □ خشونت آشکار علیه این کودکان است. محروم کردن کودکان خارج از ازدواج از تمام حقوق خود در خانواده و در جامعه به هر بهانه ای، از جمله به بهانه مذهب و فرهنگ، از جمله جرائم سنگین است.
- ۱۳- ممنوعیت و لغو کلیه قوانین مذهبی که مانع بر خورداری کودکان، اعم از دختر و پسر، از یک زندگی خلاق و شاد و تفریحات و شرکت در فعالیت های اجتماعی مخصوص کودکان گردد.
- ۱۴- ایجاد محدودیت برای کودکان برای شرکت در مواد درسی یا فعالیت های برنامه ای و فوق برنامه ای مدرسه، ممنوع است، مگر به دلایل پزشکی و بنا به منعفت مستقیم کودک
- ۱۵- انتقال روزهای تعطیل در جوامع با تقویم غیر میلادی به شنبه و یکشنبه، جهت استاندارد شدن تقویم مدارس
- ۱۶- حذف کلیه تعطیلات مذهبی از تقویم رسمی جامعه و تقویم مدارس

حقوق کودکان در خانواده

- ۱- لغو امتیازات مرد بعنوان □ سرپرست خانواده □. برقراری حقوق و وظایف برابر برای زن و مرد در رابطه با سرپرستی و تربیت فرزندان، اعمال کنترل و مدیریت دارایی ها و امور مالی خانواده، وراثت، انتخاب محل زندگی و سکونت، کارخانگی و اشتغال حرفه ای، طلاق، سرپرستی کودکان در صورت جدایی و تقسیم و تملک اموال خانواده.
- ۲- ممنوعیت تحمیل کارخانگی و یا وظایف ویژه خانه دارانه به کودکان دختر در خانواده.
- ۳- ممنوعیت تحمیل وظایف سرپرستی به کودکان پسر
- ۴- اعمال مجازات سنگین برای هر نوع آزار، ارباب، سلب آزادی، تحقیر و خشونت علیه کودکان اعم از دختر و پسر در خانواده.
- ۵- لغو انتقال اتومانیک نام خانوادگی پدر به فرزندان و واگذاشتن تعیین نام خانوادگی نوزادان به توافق و انتخاب مشترک پدر و مادر. در صورت عدم توافق، کودک نام خانوادگی مادر را بر خود خواهد داشت.
- ۶- حذف نام پدر و مادر از شناسنامه و اسناد هویت رسمی (نظر گذرانامه، گواهینامه، رانندگی و غیره)
- ۷- حمایت اداری، مادی و معنوی دولت از خانواده های تک والدی و بویژه حمایت فعال از مادرانی که جدا شده اند و یا اصولاً بدون ازدواج صاحب فرزند شده اند، در برابر فشارهای مادی و اخلاقیات ارتجاعی
- ۸- برابری کامل حقوق و وظایف والدین، پدر و مادر، در امور مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی
- ۹- حق کودکان بالاتر از ۱۳ سال در انتخاب والدین در صورت جدایی.
- ۱۰- برابری کامل کودکان، مستقل از هر تفاوتی چون، جنسیت، میزان توانایی و ناتوانایی جسمی و روانی، سن و ... در تملک دارایی های خانواده پس از درگذشت پدر و مادر یا در فقدان آنها. هر نوع وصیت؛ حکم خانوادگی یا قضایی یا قانونی که کودک را از حق بر دارایی های خانواده و ماترک پدر و مادر به هر بهانه ای از جمله به بهانه مذهب یا فرهنگ و رسم و رسوم، تماماً یا بخشا محروم کند، فاقد اعتبار است.
- ۱۱- برابری کامل حقوق پدر و مادر در امور مربوط به سرپرستی و تعلیم و تربیت فرزندان. لغو موقعیت ویژه پدر بعنوان سرپرست خانواده در کلیه قوانین و مقررات و انتقال حقوق مربوط به سرپرستی امور خانواده به یکسان به پدر و مادر.
- ۱۲- پرداخت کمک هزینه های لازم و ارئه خدمات رایگان پزشکی، آموزشی و فرهنگی، برای تضمین استاندارد بالای زندگی کودکان و نوجوانان مستقل از وضعیت خانوادگی.
- ۱۳- قرار گرفتن کلیه کودکان فاقد خانواده و امکانات خانوادگی، تحت تکفل دولت. فراهم کردن امکانات زندگی و تربیت آنها در نهادهای مدرن و پیشرو و مجهز.
- ۱۴- ایجاد مهد کودک های مجهز و مدرن به منظور بر خورداری همه کودکان از یک محیط زنده و خلاق تربیتی و اجتماعی، مستقل از شرایط خانوادگی.
- ۱۵- شانزده هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان و یکسال مرخصی برای نگهداری نوزاد با پرداخت حقوق که باید با توافق طرفین توسط زن و شوهر هر دو مورد استفاده قرار بگیرد.
- ۱۶- ایجاد موسسات و نهادها و فراهم کردن رایگان تسهیلاتی نظیر شیرخوارگاه ها و مهد کودک ها و کلوب های تفریحی - تربیتی کودکان در سطح محلی.

قطعه‌نامه در باره

تبدیل کردستان به دروازه قدرت

پیشنهاد دهنده: مظفر محمدی

حمایت کننده: کورش مدرس، اسد نودینیان، خالد حاج محمدی، ثریا شهابی، جمال کمانگر، بهرام مدرس
دلایل تاریخی و تجارب سه دهه جنبشهای اجتماعی و توده ای و مسلحانه علیه رژیم اسلامی کردستان را به یکی از پایگاههای اصلی تودهای مردم علیه رژیم تبدیل کرده است.

مبارزات کارگری و توده ای و مسلحانه در کردستان مهر دو سنت و سیاست و دو جنبش متفاوت را بر خود دارند.
کمونیسم و ناسیونالیسم به موازات همدیگر چهره سیاسی کردستان را شکل داده و احزاب و نیروهای این جنبشها را بوجود آورده است.
محبوبیت اجتماعی کمونیسم و دخالتگری آن در کردستان یک قطب نیرومند چپ را در جامعه تشکیل داده است. قطبی است که با رژیم اسلامی و جناحهایش هیچوقت سر سازگاری نداشته و با ناسیونالیسم و قوم پرستی نیز بیگانه است.
حزب کمونیست کارگری حکمتیست هم اکنون چه بلحاظ هژمونی سیاسی و چه ماتریال انسانی و رهبران با نفوذ اجتماعی در صفوف خود، رهبری سیاسی و اجتماعی این قطب را عهده دار است.

کنگره اول حزب کمونیست کارگری حکمتیست مقرر میدارد که:

۱- گارد آزادی که بعنوان بازوی مسلح جنبش کمونیستی و کارگری و چپ در کردستان ابراز وجود کرده است باید تحکیم و گسترش یافته و در کوتاه مدت به ستون فقرات یک ارتش توده ای مسلح در محل زیست و کار مردم تبدیل شود.

۲- کنترل محلات بعنوان ایجاد پایگاهی توده ای و محکم علیه فشارها و حملات رژیم در دستور کار عاجل قرار گیرد.

۳- سازمان حزب از طریق کمیته های کمونیستی متشکل از کادرهای حزب در محل کار و زندگی، تحکیم و گسترش یافته و به مثابه ستون فقرات جنبشهای اجتماعی و تضمین پیروزی آنها ظاهر شود.

۴- تشکیلات کردستان حزب متناسب با رهبری یک جنبش توده ای رادیکال و چپ در کردستان سازمان یابند. کادرهای با نفوذ و محبوب مردم که در حزب حکمتیست گرد آمده اند، بصورت متشکل و سازمان یافته در یک کمیته قدرتمند و ستادهای تشکیلاتی، نظامی، تبلیغاتی و تدارکاتی (مالی و تسلیحات) متحد و متشکل شده و در راس و رهبری جدالهای اجتماعی در کردستان قرار گیرند. این تلاشها میتوانند و باید کردستان را به دروازه قدرت کمونیسم در سراسر ایران تبدیل کنند.

بیانیه در باره کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

ساسان سعید، رئوف افسائی، رضا کمانگر، صلاح ایراندوست

کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در روزهای ۲۰ و ۲۱ اکتبر ۲۰۰۶ بطور علنی برگزار میشود.

این کنگره در شرایطی برگزار میشود که طبقه کارگر و اکثریت بشریت آزادیخواه در سراسر دنیا بیش از پیش تحت مضایق و فشارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و استرس ناشی از سیاستها و عملکردهای ضد انسانی نظام سرمایه داری جهانی، گلوبالیزاسیون و بازار آزاد قرار دارد. نظام سرمایه داری، امنیت، آسایش، آزادی و رفاه اجتماعی بشر را در سراسر جهان با خطر جدی مواجه کرده است. بر پایی جنگ های ارتجاعی و کشتار مردم عادی، جهان را در یک قدمی سقوط هولناکی قرار داده است.
در ایران، جمهوری اسلامی کماکان حکومت می کند. تحمیل استثمار و فقر و فلاکت و بی حقوقی مطلق به طبقه کارگر و اکثریت مردم در ایران از همه جای دنیا برجسته تر است. زنان در ایران بعنوان نصف جمعیت بیشترین فشارها را تحمل می کنند. جوانان بعنوان اکثریت جمعیت جامعه تحت فشارهای همه جانبه دوران جوانی خود را سپری می کنند.

اما علیرغم این وضعیت سخت، مبارزه در همه سطوح و در بین گروههای اجتماعی در سطح وسیعی در جریان بوده و ادامه دارد. خواست سرنگونی جمهوری اسلامی و داشتن یک حکومت مردمی که عدالت اجتماعی و رفاه و زندگی بهتر و آزادیهای سیاسی و فردی را تضمین کند یک خواست عمومی و مشترک گروههای اجتماعی مختلف مردم است. اما اساسیترین و بزرگترین مشکل رسیدن به این هدف نه از قدرت و یا حقانیت رژیم اسلامی، بلکه ناشی از ضعف ما و جنبش ما کمونیستهاست. همان مسئله قدیمی و همیشگی یعنی نداشتن رهبری سیاسی که در سطح جامعه نمایندگی نارضایتی مردم را تا رسیدن به پیروزی به پیش ببرد.

ما خود را کمونیست و جزئی از جنبش کمونیسم کارگری که منصور حکمت پایه گزار و رهبر آن بود می دانیم و طرفدار آنیم که یک آلترناتیو چپ، انقلابی و سوسیالیست با برنامه و سیاستهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه که منافع وسیعترین توده های کارگر و مردم ستمدیده و زنان و جوانان را تضمین کند به قدرت برسد. شرط مهم و اساسی رسیدن به این امر این است که جنبش کمونیسم کارگری از حزب سیاسی با نفوذ اجتماعی وسیع در جامعه برخوردار بشود بطوریکه تمام حرکتها و جنبشهای اجتماعی و اعتراضی رادیکال و آزادیخواهانه را زیر چتر خود قرار دهد.

منصور حکمت در دو دهه گذشته با مراجعت به خود مارکس و بیرون آوردن مارکسیسم از زیر خروارها آواری که کمونیسم بورژوازی بر سر آن ریخته بود، روند دیگری را آغاز نمود. او با کار بسیار عظیمی که انجام داد یک تعریف شفاف، دخالتگر و اجتماعی را از مارکسیسم و کمونیسم کارگری به دست داد که می رفت تا کمونیسم را در عرصه سیاست در ایران را از زندگی حاشیه ای و گروههای کوچک ایدئولوژیک و فرقه ای در بیارو و آنرا در مرکز اصلی کشمکشهای مبارزه و بطور مشخص مبارزه طبقاتی قرار دهد. تشکیل حزب کمونیست کارگری در ابتدای دهه نود، وظایف دیگری را پیش روی کمونیسم کارگری و فعالین آن قرار داد که همانا ساختن حزب سیاسی اجتماعی برای رهبری جامعه و بدست آوردن قدرت سیاسی بود. ما بر این باوریم که جامعه ایران نیازمند حزبی سیاسی، اجتماعی و مسئول بر مبنای تئوریکها و متد منصور حکمت است تا تحولات کنونی به شیوه انقلابی به نفع مردم تمام شود.



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست طی ۲ سال گذشته با اتخاذ و پیشبرد سیاستها و روشهای کاملا متفاوت، روشن و شفاف برای ادامه روش منصور حکمت در ساختن حزبی سیاسی اجتماعی حرکت کرده و چهره موفقی از کمونیسم کارگری ارائه داده است. این کنگره نه تنها مورد حمایت ما بلکه ما خود را در کنار تک تک اعضا کادرها و رهبران حزب برای ساختن حزبی سیاسی، اجتماعی و دخالنگر بر مبنای تئوری حزب و جامعه، حزب و قدرت سیاسی و تحقق دنیای بهتر احساس میکنیم. از همه شخصیتهای کمونیست و کارگران و مردم آزادیخواه می خواهیم این کنگره و حزب حکمتیست را مورد حمایت و قرار بدهند.

رفقا! دنیای بهتری امکان پذیر است! این کنگره باید این امر مهم را تضمین کرده و این امید انسانی را در جامعه حول پرچم کمونیسم کارگری زنده نگه دارد.

برای تک شرکت کنندگان در کنگره موفقیت و برای کنگره کنگره ای پر دستاورد آرزومندیم.

دستتان را به گرمی میفشاریم

ساسان سعید، رئوف افسائی، رضا کمانگر، صلاح ایراندوست

۱۵ اکتبر ۲۰۰۶

قرار در مورد

گسترش سریع واحدهای گارد آزادی در شهرهای ایران

پیشنهاد دهنده گان: رحمان حسین زاده، عبدالله دارابی

۱ - یکی از ابزارهای مهم و اساسی مقابله با خطر سناریوی سیاه در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و یا بعد از آن، و تضمین بنیادهای زندگی و تضمین امنیت و مدنیت مردم در این پروسه و تسهیل مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی، گارد آزادی است. تصمیم و قرار مصوب پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب حکمتیست در اکتبر ۲۰۰۵ جواب به این نیاز مهم است.

۲ - فعالیتهای گارد آزادی در ۲ سال اخیر به نقطه امید جنبش آزادی و برابری در ایران تبدیل شده است. اما این سطح از فعالیت و روند ایجاد و گسترش واحدهای گارد آزادی در شهرها به شدت ناکافی و جوابگوی توقعات امروز نیازهای مبارزاتی جامعه و حزب حکمتیست نیست

۳ - لذا کنگره اول حزب حکمتیست بر گسترش سریع ایجاد واحدهای گارد آزادی در شهرهای ایران تاکید میکند و از رهبری منتخب کنگره اول حزب و دست اندرکاران مستقیم گارد آزادی میخواهد نقشه مند تر و سریع تر گسترش و ایجاد واحدها و فعالیتهای گارد آزادی در شهرها را تضمین کنند.

قرار در باره

تشکل یابی رهبران و فعالین کارگری (کمیته های کارگری)

پیشنهاد دهندگان: محمود قزوینی، محمد فتاحی

اعتراضات و اعتصابات کارگری در ایران از پراکندگی و عدم حمایت بخشهای مختلف طبقه کارگر از یکدیگر رنج میبرد. تشکل یابی طبقه کارگر در رفع این مانع نقش درجه اول بازی میکند.

در نبود تشکلات کارگری در ایران، سازماندهی و رهبری اعتراضات و اعتصابات کارگری، با فعالیت و اتوریته مستقیم رهبران و فعالین کارگری و بر پایه مجمع عمومی صورت میگیرد. این رهبران و فعالین کارگری دارای اتوریته محلی محدودی هستند و قادرند اعتراضات در محل کار خود را رهبری کنند. ایجاد ارتباط محکم و متشکل شدن فعالین و رهبران کارگری و ایجاد یک رهبری سراسری کارگری، شرط فائق آمدن بر پراکندگی کنونی مبارزات طبقه کارگر، تشکیل مجمع عمومی منظم و براه انداختن جنبش مجمع عمومی است.

ارتباط فعالین و رهبران کارگری محلی با یکدیگر ضعیف و بدون تشکیلات و نقشه است که عموماً در محافل خانوادگی و شغلی صورت میگیرد. برای ایجاد ارتباط محکم و با نقشه و برای ایجاد همبستگی وسیع بخشهای مختلف طبقه کارگر از یکدیگر، ضروری است فعالین و رهبران کارگری در درجه اول در محل کار و سپس بصورت فراکارخانه ای متحد و متشکل شوند.

کمیته های کارگری در شرایط کنونی بهترین ظرف تشکل یابی فعالین و رهبران کارگری است.

کمیته های فراکارخانه ای از متحد و متشکل شدن، کمیته های محلی تشکیل میشود و شامل نمایندگان کمیته های محلی میباشد. کمیته فراکارخانه ای بصورت منطقه ای و یا صنفی تشکیل میشود.

کمیته های صنفی و یا منطقه ای میتوانند از نمایندگان منتخب مراکز کاری تشکیل شوند. چنین کمیته های مطلوب ترین شکل تشکل یابی فعالین و رهبران کارگری است.

بدون ایجاد مراکز متحد تر و متشکل تر از فعالین و رهبران کارگری (کمیته های کارگری)، مجمع عمومی نمیتواند منظم شود و نمیتواند پایه ای برای متحد و متشکل شدن توده های کارگر در سطح وسیع شود و نمیتواند تکامل یابد و توده های کارگر را صاحب تشکل دائمی تر خود سازد. ضرورت تشکیل مجمع عمومی منظم در شرایط حاضر، به ایجاد ارتباط دائمی تر و متشکل تر فعالین و رهبران کارگری گره خورده است.

رهبران و فعالین رادیکال - سوسیالیست کارگری باید نقشه تشکیل کمیته های کارگری را جزء سیاست خود قرار دهند و برای متحد و متشکل کردن رهبران و فعالین کارگری تلاش ویژه کنند.

حزب کمونیست کارگری حکمتیست رهبران و فعالین کارگری را به تشکیل کمیته های کارگری فرا میخواند.

قرارد در باره

همکاری همه جانبه با حزب کمونیست کارگری عراق و کنگره آزادی عراق و تعریف مکانیسمهای لازم

پیشنهاد دهنده: اسماعیل ویسی

حمایت کنندگان: سهند حسین زاده، داریوش نیکنام، غفار غلام ویسی

اوضاع جامعه عراق در نتیجه جنگ و اشغالگری آمریکا و دست اندازی جریانات ارتجاعی قومی-اسلامی و باندهای مسلح قتل و غارت بنوعی فاجعه آمیز و بسیار وخامتبار است. حزب کمونیست کارگری عراق و کنگره آزادی عراق بعنوان تنها پرچم امید و آزادی و رهایی مردم عراق و خارج کردن جامعه از جهنمی که بر آنها تحمیل شده است میباشد!

بر این اساس، کنگره اول حزب حکمتیست بر تماس مستمر و همکاری مداوم هر دو حزب و کنگره آزادی عراق چون جهت و سیاستی انترناسیونالیستی تاکید میکند. و تعریف و سازماندهی مکانیسمهای لازم و چگونگی شیوه همکاری را. چون اولویت کاری بعهدہ دفتر سیاسی میگذازد.

قرار در باره

شورای عالی امنای حزب

پیشنهاد کننده: نسرين جلالی، کورش مدرسی

حمایت کنندگان: بهرام مدرسی، فاتح شیخ، عبدالله دارابی، خالد حاج محمدی، رحمان حسین زاده، نسان نودینیان، ثریا شهابی، امان کفا، عبدالله دارابی

به منظور

الف - ارج نهادن به سابقه و تجربه طولانی و ارزشمند فعالیت کمونیستی، حفظ این تجربیات و همچنین بکارگیری مداوم دانش و بصیرت رهبران و فعالین حزب در حیات سیاسی و تشکیلاتی حزب و تقویت ثبات و پیوستگی در زندگی سیاسی و تشکیلاتی حزب

ب - تسهیل امکان بازسازی رده های بالای حزب و انتقال این تجربیات به نسل جدیدتری از رهبران حزب کنگره اول حزب حکمتیست تشکیل شورای عالی امنای حزب را مطابق مقررات زیر تصویب میکند و عضویت در آن را بالاترین افتخار حزبی میداند.

۱ - شورای عالی امنای حزب حقوق و اختیارات زیر را دارد:

- ۱ - اعضای شورا میتوانند در کنگره های حزب با حق رای شرکت کنند.
- ۲ - اعضای شورا، بعنوان مشاور، حق شرکت در پلنوم های کمیته مرکزی و جلسات دفتر سیاسی را دارند.
- ۳ - تصویب مجدد مصوبات کمیته مرکزی در شورای عالی امناء الزامی نیست. اما در صورتیکه یک مصوبه کمیته مرکزی در جلسه شورا، با اکثریت آرا، رد شود، آن مصوبه باید جهت بحث و تصویب مجددا در دستور کار کمیته مرکزی قرار گیرد. در صورت تصویب مجدد، مصوبه مورد بحث توسط کمیته مرکزی آن مصوبه لازم الاجرا خواهد بود.
- ۴ - شورای عالی امنای حزب مرجع نهائی رسیدگی به شکایت در مورد زیر پا گذاشتن مقررات و ضوابط تشکیلاتی از جانب کمیته مرکزی و یا دبیر کمیته مرکزی است. این شورا میتواند در دادن حق به شاکی تصمیم مورد شکایت را لغو کند.
- ۲ - عضویت در شورای عالی امنای حزب مادام العمر است، مگر اینکه فرد خود از عضویت در حزب و این شورا کناره گیری کند و یا برخلاف موازین حزبی عمل نماید و عضویت وی در حزب در جلسه مشترک شورای عالی امناء و کمیته مرکزی حزب خاتمه یابد.
- ۳ - شرط عضویت در شورای عالی امنای حزب به قرار زیر است:

- ۱ - عضویت در حزب.
- ۲ - نداشتن عضویت در کمیته ها و نهاد های اصلی حزب و هیچ پست کلیدی تشکیلاتی دیگر.
- ۳ - داشتن مجموعاً حداقل ده سال سابقه فعالیت تشکیلاتی با حزب کمونیست کارگری تا سپتامبر ۲۰۰۴ و با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست.
- ۴ - داشتن حداقل پنج سال سابقه فعالیت بعنوان عضو یکی از کمیته های اصلی حزب (کمیته های منطقه ای، کمیته های شهرستان، کمیته مرکزی).

۴ - نحوه تعیین اعضای شورای عالی امناء به قرار زیر است:

- ۱ - هر کاندید عضویت در شورای عالی امناء باید لااقل از جانب ۵ نفر از اعضای کمیته مرکزی کاندید شود.
- ۲ - پلنوم کمیته مرکزی اعضای این شورا را انتخاب میکند.
- ۳ - کمیته مرکزی حق دارد در سال حداکثر دو نفر را به عضویت شورای عالی امناء انتخاب کند.
- ۵ - تغییر این مقررات تنها در صلاحیت کنگره حزب است.

پیش نویس آئین نامه کنگره

پیشنهاد کننده: دبیر کمیته مرکزی و رئیس دفتر سیاسی

- ۱- هیات رئیسه کنگره به انتخاب دبیر کمیته مرکزی و رئیس دفتر سیاسی تعیین میشود. در هر اجلاس یک نفر از هیات رئیسه، ریاست کنگره را برعهده خواهد داشت.
- ۲- تمام تصمیمات با اکثریت نسبی آراء نمایندگان تصویب میشود.
- ۳- رای گیری در کنگره بجز در انتخابات کمیته مرکزی علنی است. شمارش دقیق آراء در رای گیری های علنی در مواقعی که تفاوت رای های موافق و مخالف عیان است ضروری نیست. در صورت نزدیک بودن رای های مخالف و موافق، به تصمیم رئیس و یا با پیشنهاد ۲ نفر از نمایندگان آراء شمرده میشود.
- ۴- در طرح هر قطعنامه و قرار و پیشنهاد موافق و مخالف به تعداد مساوی صحبت میکنند. ارائه دهنده هر قطعنامه مرکب (مبحث اصلی) یک نوبت در پایان بحث برای جمع بندی مبحث خواهد داشت. ارائه دهندگان قطعنامه های ساده و قرارها نوبت جمع بندی نخواهند داشت.
- ۵- در مباحث اصلی دو ارائه دهنده و دو مخالف از قبل از کنگره تعیین شده اند. مابقی سخنرانان در سالن نوبت میگیرند.
- ۶- نوبت گرفتن در سالن برای سخنرانی بصورت کتبی است. از میان کسانی که نوبت گرفته اند، در صورتی که به هر کس کمتر از ۵ دقیقه وقت برسد، سخنرانان به تعداد لازم به قید قرعه تعیین میشوند.
- ۷- کفایت مذاکرات به پیشنهاد هیات رئیسه و یا دو نفر از نمایندگان به رای گذاشته میشود.
- ۸- کنگره تنها به مباحث و پیشنهاداتی میپردازد که از قبل بطور کتبی در اختیار کنگره قرار داده شده باشند و کنگره ورود آنها را به دستور تصویب کرده باشد. هیچ قرار و طرح قطعنامه جدیدی در کنگره دریافت نمیشود و به رای گذاشته نمیشود. (تصویب استثناء بر این قاعده تنها با رای نصف بعلاوه یک نمایندگان مجاز است)

۹- ترتیب جلسات

الف: پیش از دستور:

- مارش انترناسیونال [سکوت به احترام جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم (۱۵ دقیقه)
- سخنرانی افتتاحیه (دبیر کمیته مرکزی) (۲۰ دقیقه)
- تصویب اعتبار نامه نمایندگان (گزارش و رای گیری ۱۵ دقیقه)
- تصویب آئین نامه و دستور کنگره (۱ ساعت)
- سخنرانی ریبار احمد (دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق) (۲۰ دقیقه)

ب: دستور پیشنهادی

- ۱- گزارش (رحمان حسین زاده: ۱۰ دقیقه، سالن: ۱ ساعت، مسئولین ۳۵ دقیقه = جمع = ۱ ساعت و ۴۵ دقیقه)
- ۲- قطعنامه ها - ۷ ساعت (حدود ۷ قطعنامه)
- ۳- قرارها - ۲ ساعت (حدود ۸ قرار)
- ۴- انتخابات کمیته مرکزی جمعا ۴۵ دقیقه
- ۵- اختتامیه - ۲۰ دقیقه
- ۱۰- گزارشات به رای گذاشته نمیشود. وقت موجود میان سخنرانان تقسیم میشود. پس از اظهار نظر سخنرانان مختلف، یک نوبت کوتاه نهایی برای توضیح بیشتر در مورد جوانب مورد بحث گزارشات به ارائه کنندگان آنها داده میشود.
- ۱۱- در پایان هر اجلاس (صبح یا عصر) جمعا ۱۵ دقیقه برای اظهار نظر میهمانان و ناظرین وقت داده میشود. (جمعا چهار نوبت)

لیست اسناد کنگره قابل توجه نمایندگان کنگره

لیست زیر اسنادی است که برای طرح در کنگره بدست ما رسیده اند، واجد شرایط اعلام شده هستند و در شماره های مختلف نشریه کنگره منتشر شده اند.

توجه کنید که کنگره دستور جلسه خود را از میان این لیست انتخاب میکند. همانطور که در مقررات کنگره آمده است: [کنگره هیچ بحثی و قرار و قطعنامه و یا اصلاحیه ای که شفاها و یا حتی کتبا در محل طرح شود در دستور نمیگذارد.]

روشن است که کنگره همه این اسناد را مورد بررسی قرار نمیدهد. از میان این لیست اسناد و قرار هائی که در فرصت موجود میتوانند و باید مورد بررسی قرار گیرند را انتخاب میکنند.

ترتیب زیر ترتیب انتشار اسناد در شماره های مختلف نشریه کنگره است

- الف قطعنامه ها:
- ۱۰ - قطعنامه در باره نیروی مسلح حزب
a. معرف: اسماعیل ویسی
b. مخالف:
- ۱ - جنبش رهایی زن در ایران و وظایف
a. معرف: محمود قزوینی، اسد گلچینی (کنگره شماره ۶)
b. معرفین: اعظم کم گویان، ثریا شهبابی
- ۱۱ - کمونیست ها و حقوق کودکان
a. معرف: اسماعیل ویسی
b. مخالف: مخالفین: مهرنوش موسوی (کنگره شماره ۶)
- ۲ - در باره انقلاب ایران و وظایف کمونیستها (کنگره شماره ۴)
a. معرفین: آذر مدرسی، بهرام مدرسی
b. مخالفین:
- ۱۲ - تبدیل کردن کردستان به دروازه قدرت (کنگره شماره ۶)
a. معرف: مظفر محمدی
b. مخالف:
- ۳ - موقعیت جنبش کارگری و وظایف ما (کنگره شماره ۴)
a. معرفین: محمود قزوینی
b. مخالفین:
- ۱۳ - اوضاع ایران و مصاف های حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (کنگره شماره ۶)
a. معرف: کورش مدرسی
b. مخالف:
- ۴ - درباره اوضاع سیاسی ایران و موقعیت حزب حکمتیست (کنگره شماره ۴)
a. معرفین: ایرج فرزند، آذر مدرسی
b. مخالفین:
- ۵ - طبقه کارگر و قدرت سیاسی (کنگره شماره ۴)
a. معرفین: کورش مدرسی - خالد حاج محمدی
b. مخالفین:
- ۱۴ - قطعنامه در مورد اوضاع سیاسی ایران (جنبش سرنگونی) (کنگره شماره ۶)
a. معرف: کورش مدرسی
b. مخالف:
- ۸ - گسترش سریع واحدهای گارد آزادی در شهرهای ایران (کنگره شماره ۶)
a. معرف: رحمان حسین زاده
b. مخالف:
- ۱۵ - خطر پاشیدن شیرازه جامعه ایران و ممانعت از آن (کنگره شماره ۶)
a. معرف: کورش مدرسی
b. مخالف:
- ۹ - در باره تشکل یابی رهبران و فعالین کارگری (کمیته های کارگری) (کنگره شماره ۶)
a. معرف: فاتح شیخ
b. مخالف: مهرنوش موسوی
- ب - قرار ها:
- ۷ - قطعنامه درباره جنبش اعتراضی جوانان وظایف ما (کنگره ۵)
a. معرف: جمال کمانگر، بهرام مدرسی
b. مخالف:
- ۸ - در باره ضرورت کنترل مردم بر محلات زندگی شان (کنگره ۵)
a. معرف: بهرام مدرسی
b. مخالف:
- ۲ - در باره شرکت در جلسات کمیته های حزبی (کنگره شماره ۴)
a. معرف: کورش مدرسی
b. مخالف:
- ۹ - فراخوان به مردم، فراخوان به احزاب و شخصیت های سیاسی (کنگره ۵)
a. معرفین: کورش مدرسی
b. مخالفین:
- ۳ - در رابطه با پرورش کادر و ایجاد مدارس حزبی (کنگره شماره ۴)
a. معرف: کورش مدرسی
b. مخالف: